

زندگی دفتری از خاطره‌هاست  
یک نفر همدم خوشبختی‌هاست،  
یک نفر همسفر سختی‌هاست  
ما همه همسفر و رهگذریم  
آنچه باقیست فقط خوبی‌هاست!

## خاطرات نورالله «نورمن» گبای

### برگ بیست و یک

ویراستار: الهام یعقوبیان

ما انسان‌ها در زندگی‌هایمان، طیف وسیعی از خاطرات خوب و بد داریم. این خاطرات اگرچه گاه دردآور اما می‌توانند یادآور اشتباهاتی باشند که بتوان از تکرار آنها جلوگیری کرد. یکی از این موارد، ازدواج‌های فامیلی و صدمات آن در نه تنها یک نسل که حتی نسل‌های آینده است. امروزه، ازدواج فامیلی در بسیاری از فرهنگ‌ها و جوامع، به خصوص، در جوامع مدرن، اشتباه و گاه در برخی از کشورها ممنوع می‌باشد. این رسم اما در گذشته در میان بسیاری از فرهنگ‌ها از جمله میان ایرانیان یهودی به غلط انجام می‌شد تا جایی که برخی معتقد بودند که عقد دختر عمو و پسر عمو را در آسمان‌ها بسته‌اند و از بدو تولد کودکان، آنها را متعلق به یکدیگر می‌دانستند قافل از اینکه اگر هم حقیقت داشت به آن معنا بود که عقد در آسمان بسته شده‌است و دیگر نیازی نیست که بر روی زمین هم بسته شود. این قراردادها بین دیگر افراد فامیل هم انجام می‌شد و با قراری که دو خانواده بین هم می‌گذاشتند، دو کودک را در سنین پایین برای ازدواج، نامزد می‌کردند.

این رسم نادرست در جوامع و شهرهایی که یهودستیزی در آن شدت داشت، بیشتر رواج داشت. به خصوص در دورانی که یهودیان به دلیل تعصب حاکم، تبعیض و تهدید مجبور به تغییر مذهب می‌شدند.

برخی از کسانی که برای بقاء، به ظاهر دین جدید را می‌پذیرفتند، عاقلانه در خفا دین خود را حفظ کرده و برای آنکه مجبور نشوند دختران و پسران خود را به عقد غیر یهودی درآورند، آنها را در کودکی به عقد اقوام نزدیک خود درمی‌آوردند. شمار

این نوع ازدواج‌ها در شهرهای ایران، متفاوت بود و در شهرهایی مثل مشهد و کاشان، که در آن یهودستیزی شدت داشت، بسیار بیشتر به چشم می‌خورد. گاه البته مسائل اقتصادی و طمع مال هم در این نوع ازدواج‌ها موثر بود. من شخصا با چند مورد در طبقات متفاوت جامعه، چه به اصطلاح آگاه و چه بی‌سواد برخورد کرده بودم که بدون پرده‌پوشی، دلیل این انتخاب‌ها و یا تشویق و ترغیب فرزندان‌شان را حفظ دارایی‌های خانواده و یا سهام شرکت‌ها در خانواده خودشان بیان می‌کردند. بدتر از همه در میان آنهایی که من می‌شناختم، شخصی بود که پسرش را تشویق به ازدواج با دختر خواهر خودش کرد تا ثروت پسرش به جای دختر یک خانواده‌ی غریبه، به دخترش برسد.

این رسم به تدریج عادت شد. عدم آگاهی افراد از عواقب ازدواج‌های خانوادگی خود به انجام این رسم واپسگرایانه، دامن می‌زد.

خوشبختانه، ازدواج‌های فامیلی با پیشرفت علم و آگاهی یافتن مردم به تدریج، منسوخ شد. یکی از دلایل توقف آن، آگاهی یافتن افراد، از احتمال بالای اختلالات ژنتیکی در فرزندان بود که حاصل ازدواج پدر و مادری همخون با ویژگی‌های ژنتیکی یکسان بودند. از مهمترین آنها، فقدان تنوع ژنتیکی و عدم توانایی سازگاری با محیط، انتقال ژن معلول مشترک از سوی پدر و مادر و در نتیجه، افزایش بیماری‌های لاعلاج در میان فرزندان این افراد بود.

گذشته از آن، ازدواج در میان اقوام، در بیشتر موارد منجر به مشکلات اجتماعی، روحی روانی و حتی درگیری‌های خانوادگی نیز می‌شد. خانواده‌ای پر جمعیت را می‌شناختم که فرزندی معلول داشت. او را در شهری دیگر و دور از دید جامعه، در مرکز بهزیستی تنها گذاشته بودند مبادا، وجود او بر آینده و ازدواج دیگر فرزندان‌ش تاثیر بگذارد.

البته قضاوت در مورد پیشینیان، با چشم‌پوشی از دوران گالوت، شرایط اجتماعی و دانش آن روزگار، کاریست نادرست. بی‌شک، عدم آگاهی از نتیجه‌ی این وصلت‌ها، به چنین اقداماتی دامن می‌زد. به علاوه، اینگونه ازدواج‌ها، اگرچه ریسک بالایی داشتند اما همیشه باعث ایجاد مشکل در نسل آینده نمی‌شدند.

حافظ می‌فرماید:

شکوه تاج سلطانی که بیم جان در و درجست  
کلاهی دل کش است اما به ترک سر نمی‌ارزد

با پیشرفت علم و آگاهی، جوانان به عواقب اینگونه ازدواج‌ها بیشتر پی برده و از این نوع وصلت‌ها، شانه خالی می‌کنند. امید آن است که این آگاهی، در زمینه‌های دیگر هم میان جوانان حاصل شود و انتخاب‌هایشان نه به خاطر معیارهای نادرست ظاهری و یا مالی، بلکه به دلیل مهر و علاقه و داشتن افکار مشترک باشد. سعادتمندترین افراد، کسانی هستند که شریک زندگی خود را بر پایه‌ی معیارهای درست و عشق و علاقه انتخاب کنند. این افراد نه تنها خود زندگی سالم و شادی خواهند داشت، که فرزندان سالم، پرورش داده که هم خود خوشبخت خواهند بود و هم جامعه از وجودشان سود خواهد برد.

هست باقی شرح این لیکن برون  
بسته شد دیگر نمی آید برون  
باقی این گفته آید بی‌زبان  
در دل آنکس که دارد نور جان

نورالله «نورمن» گبای  
مارس ۲۰۲۳، لس آنجلس  
بازنویسی: مارس ۲۰۲۳